



## تعلیم و تربیت چیست؟

پدیدآورنده (ها) : به پژوه، احمد

علوم تربیتی :: پیوند :: مهر 1379 - شماره 252

از 11 تا 13

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/117202>

دانلود شده توسط : مهدی به پژوه

تاریخ دانلود : 19/03/1399

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

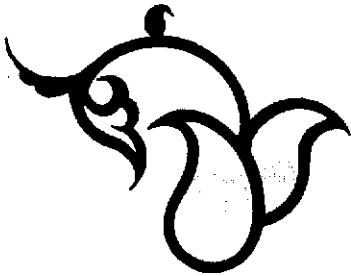


پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

# تعلیم و تربیت چیست؟

دکتر احمد به پژوه



من اگر خارم و گرگل، چمن آرایی هست  
که از آن دست که می پروردم می رویم

"حافظ"

تعلیم و تربیت، ارزشمندترین و گران بهاترین امور است.  
تعلیم و تربیت، یا آموزش و پرورش لازم و ملزوم یکدیگر هستند.  
تعلیم و تربیت، فرایندی است پویا و دائمی.  
تعلیم و تربیت، فرایند انسان سازی و انسانی کامل و رشید شدن است.  
تعلیم و تربیت، مسؤولیتی است عظیم، دشوار، پیچیده و ظریف.  
تعلیم و تربیت، علم است و فن و هنر که تلفیق هر سه احتمال موفقیت را بالا می برد.  
تعلیم و تربیت، برنامه ای است که توسط معلم - مربی، متعلم - متربی را از وضع موجود با مطمئن ترین روش ها به سوی مقاصد عالی هدایت می کند.  
تعلیم و تربیت، از نخستین آموزشگاه و پرورشگاه یعنی خانواده آغاز می شود.  
تعلیم و تربیت، نگاهی به گذشته دارد، اکنون را می نگرد و چشم انداز آینده را در پیش رو دارد.

تعلیم و تربیت، دامنه و گستره ای گسترده دارد و به همه امور زندگی انسان مربوط می شود.

تعلیم و تربیت، عین زندگی است، نه تقلیدی از زندگی.  
تعلیم و تربیت، هم به این دنیا و هم به آن دنیا می اندیشد.  
تعلیم و تربیت، همواره به تفاوت های فردی و شباهت های فردی توجه می کند.  
تعلیم و تربیت، مشتمل است بر مجموعه تلاش های مرئی، سازمان یافته و رسمی و تلاش های نامرئی، سازمان نیافته و غیررسمی.  
تعلیم و تربیت، مجموعه تلاش هایی است سنجیده و منظم برای نیل به هدف های

مشخص، نه اقدامی از نوع آزمایش و خطا.

تعلیم و تربیت، تلاشی است برای رشد و شکوفاسازی توان‌های بالقوه، نه ایجاد توان. تعلیم و تربیت، تلاشی است برای تأدیب کردن و با ادب شدن. تعلیم و تربیت، تلاشی است برای آموختن راه و رسم زندگی کردن در دنیای کنونی و چگونه زیستن.

تعلیم و تربیت، تلاشی است برای انتقال میراث‌های فرهنگی مطلوب و ارزشمند از نسلی به نسل دیگر.

تعلیم و تربیت، تلاشی است برای تأثیر گذاشتن و نفوذ کردن بر متعلم - متری.

تعلیم و تربیت، تلاشی است که در فضای عاطفی و امن تحقق می‌یابد.

تعلیم و تربیت، تلاشی است تدریجی و زمان‌بر، نه اقدامی ناگهانی.

تعلیم و تربیت، تلاشی است آگاهانه و عالمانه، نه عملی تصادفی و کورکورانه.

تعلیم و تربیت، تلاشی است برای شکل‌دهی و توسعه رفتارهای مطلوب و از بین بردن و تضعیف رفتارهای نامطلوب.

تعلیم و تربیت، تلاشی است مبتنی بر برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی.

تعلیم و تربیت، تلاشی است مبتنی بر پاسخگویی به نیازهای همه جانبه انسان.

تعلیم و تربیت، تلاشی است مبتنی بر ارزش‌ها، هنجارها و اصول اخلاقی.

تعلیم و تربیت، تلاشی است مبتنی بر هدایت فرایند تأثیرگذاری فرد بر محیط و تأثیرپذیری از محیط.

تعلیم و تربیت، تلاشی است هدفمند، هدف‌مدار و جهت‌دار.

تعلیم و تربیت، تلاشی است از نوع پیشگیری، نه درمان.

تعلیم و تربیت، تلاشی است که به ریشه‌ها و علت‌های اندیشد، نه معلول‌ها.

تعلیم و تربیت، تلاشی است که با توجه به نیازهای همه جانبه فرد، می‌خواهد او را به رشد همه جانبه برساند.

تعلیم و تربیت، به دنبال رشد و شکوفاسازی توان‌های بالقوه انسان در تمام ابعاد است.

تعلیم و تربیت، به دنبال پرورش انسان‌های چند بعدی، جامع‌نگر و وحدت یافته است.

تعلیم و تربیت، به دنبال حفظ و تأمین سلامت جسمانی و روانی انسان است.

تعلیم و تربیت، به دنبال آماده‌سازی فرد برای زندگی در دنیای واقعی است، نه دنیای مصنوعی و گل‌خانه‌ای.

تعلیم و تربیت، به دنبال مستقل‌سازی انسان و قادرسازی او برای رفع نیازهاست.

تعلیم و تربیت، به دنبال مصون‌سازی و مقاوم‌سازی نسل‌هاست.

تعلیم و تربیت، به دنبال هدایت و رهبری انسان به سوی سعادت و سعادت‌مند شدن

است.

تعلیم و تربیت، به دنبال فلاح، رستگاری، تقوا و صالح شدن انسان است.

تعلیم و تربیت، به دنبال تزکیه و تهذیب نفس انسان است.

تعلیم و تربیت، به دنبال پرورش روحیه تعاون، جمع‌گرایی، ظلم‌ستیزی و نوع دوستی

است.

تعلیم و تربیت، به دنبال تعدیل و متناسب‌سازی انتظارات با توان‌های فرد و پذیرش انسان

همان‌گونه که هست، می‌باشد.

تعلیم و تربیت، به دنبال فراهم کردن فرصت‌هایی برای تجربه کردن و داشتن تعامل با

محیط است.

تعلیم و تربیت، به دنبال پرورش انسان‌های کامل، رشید، سالم، آگاه، عالم، مستقل،

متعادل، متعهد، مسؤول، مؤمن، مختار، آزاده، قدرشناس، شاکر، مجاهد، نیک‌اندیش،

تلاشگر، بلندنظر، شجاع، عادل، نوع دوست، مهربان، صبور، قانع و مقاوم است.

تعلیم و تربیت، به فرد یاد می‌دهد تا خود را بشناسد، خود را باور کند و با خودش کنار

بیاید.

تعلیم و تربیت، به فرد یاد می‌دهد تا خود را با دیگری مقایسه نکند، بلکه خود را با خود

مقایسه کند.

تعلیم و تربیت، به فرد یاد می‌دهد تا توکلش به خدا باشد و قدر نعمت‌ها را بداند.

تعلیم و تربیت، به فرد یاد می‌دهد تا واقع‌بین باشد و مستقل و مثبت بیندیشد.

تعلیم و تربیت، به فرد یاد می‌دهد تا مسؤولیت اعمال و گفتارش را بپذیرد و علل

موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌های خود را بررسی و ارزیابی کند.

تعلیم و تربیت، بر این باور است که انسان تربیت شده، می‌تواند انسان را تربیت کند.

تعلیم و تربیت، بر این باور است که همدلی، هم‌فکری، همکاری و هماهنگی کلیه

عواملان تعلیمی و تربیتی شرط اساسی موفقیت است.

تعلیم و تربیت، بر این باور است که کسی که هدف‌ها را می‌شناسد و هدف‌مدار است،

قادر است روش و وسیله مناسب و شایسته را به کار گیرد.

... و سخن آخر این که تعلیم و تربیت به نظر این جانب عبارت است از:

مجموعه تلاش‌ها، فرصت‌ها، اقدامات، امکانات و برنامه‌ها از بدو انعقاد نطفه تا

واپسین دم حیات برای رشد و شکوفاسازی توان‌های بالقوه فرد به طور همه جانبه تا

رسیدن به حداکثر ظرفیت (به پژوه، ۱۳۷۷).

پی‌نوشت:

# فرهنگ ازدواج در بستر ارزش‌های اسلامی

دکتر غلامعلی افروز

اصول، شاخص‌ها و معیارهای کفویت و  
زوجیت

در شماره قبل معیارهای انتخاب همسر بایسته و کفو شایسته در ابعاد ویژگی‌های زیستی، ویژگی‌های شناختی، سلامت روانی و تعادل عاطفی، عدم اعتیاد و سلامت و پاکی نفس مورد بررسی قرار گرفت. اینک ادامه بحث از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

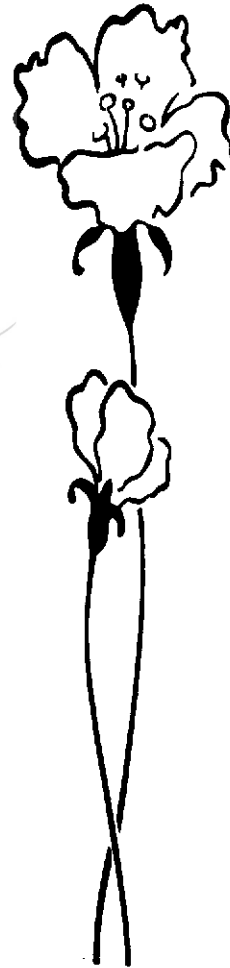
## کفویت در ایمان و آرامش دل

همه انسان‌ها به طور فطری کنجکار آفریده می‌شوند و این کنجکاری خمیرمایه خداجویی و ایمان به پروردگار و بستر خلاقیت و تولیدات برتر فکری است.

مؤمن بودن به حرکت هدفمند و جهت‌دار هستی، یعنی هم‌نوا شدن با همه پدیده‌هایی که از بدو پدیدآیی، سرود توحید، آزادگی و رجعت را می‌سرایند: " اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ "

مؤمن بودن یعنی میرا شدن از آفت‌های رشد و پیوند با توحید و یکتایی.

مؤمن بودن یعنی متصف شدن به برترین صفات و ویژگی‌های شخصیت و آراسته شدن به



والاترین فضیلت‌ها و جاودانه‌ترین زینت‌ها.

مؤمن بودن یعنی هم سو شدن با راز و رمز خلقت و یکی شدن با همه هستی و پیوند با هستی‌بخش.

مؤمن بودن به خالق قادر، قادر رحمان و رحمان رحیم یعنی جلالت فکر و اندیشه، صفای دل و پاکی نهاد.

مؤمن بودن به دنیای فانی و سرای جاودان یعنی سیر کردن در جهان هستی با برترین توشه‌ها و در نهایت سبک‌بالی و وارستگی.

مؤمن بودن یعنی بهره‌مندی از دلی آرام و قلبی مطمئن، ضمیری پاک و وجودی آرام‌بخش.

مؤمن کسی است که دلش مملو از ایمان به معنای هستی و همه وجودش ذکر هستی‌بخش است. به همین دلیل انسان مؤمن از بالاترین امنیت روان و آرامش جان بهره‌مند است.<sup>۱</sup>

کفویت در ایمان و مؤمن بودن داوطلبان ازدواج در این است که هر دو نفر وجودشان منبع آرامش باشد و وارستگی و دلشان از هر نوع ناآرامی و ناامنی و تردید و تشنگی آزاد باشد. از این‌رو توجه به کفویت در ایمان و آرامش دل به یک معنا ارزشی مضاعف برای هدف مقدس ازدواج قائل شدن است که همانا به فرموده خالق مهربان، هدف از ازدواج رسیدن به دل آرامی و آرامش وجود است<sup>۲</sup> و خداوند منان آرامش و سکینه خاطر را در قلب‌های مؤمنان قرار داده است.<sup>۳</sup>

کفویت در ایمان از زیباترین مصادیق هم‌سویی، همراهی، همدلی و هم‌پیمانی و در یک کلام همسری داوطلبان ازدواج است.

کفویت در ایمان به معنای دقیق آن یعنی برترین قابلیت در مودت، رحمت و محبت میان داوطلبان ازدواج.

کفویت در ایمان یعنی توجه به انسان‌هایی که

حسن اخلاق، پاکی دل، گشاده‌رویی، صبوری، گذشت و ایثار، وفاداری، صداقت، شجاعت و مروت معناگر شخصیت مؤمن و متعالی آن‌هاست.

پرواضح است که عنایت به رفتارهای مذهبی مثل نماز، روزه، حجاب، خویش‌داری و مقاومت در برابر لغزش‌ها، کج‌روی‌ها و آسیب‌پذیری‌های اخلاقی و رفتاری و آلوده نشدن به ناصواب‌ها و گناه‌ها، همه و همه در پرتو نور ایمان و معنویت وجود مؤمنان می‌تواند معنای واقعی خود را بیابد.

آن‌گاه که انسان‌های وارسته و مؤمن با خدای خود به راز و نیاز می‌ایستند و از سویدای دل با خالق هستی سخن می‌گویند، به سان آن است که در سکوی پرواز، سبک‌بال و دل آرام آماده عروج‌اند، و نماز تسبیح اکبر مؤمنان است.

کفویت در ایمان، همدلی در سر دادن سرود آزادگی و هم‌سویی در نیایش و نماز<sup>۴</sup> در میان داوطلبان ازدواج و زوج‌های جوان، با ارزش‌ترین سرمایه‌های حیات و اصلی‌ترین عامل آسودگی خیال، امنیت روان و خوشبختی واقعی است.

آری، بزرگ‌ترین ارمغان زوجیت دو جوان وارسته و آزاده، کفویت در طهارت و پاک‌دامنی، مصونیت از آلودگی‌های غریزه جنسی، بهره‌مندی از نورانیت ایمان، آرامش دل و هم‌نوایی در سخن گفتن با خداست.<sup>۵</sup>

**کفویت در اخلاق و منش‌های فردی و اجتماعی**

هم‌آهنگی و هم‌سویی داوطلبان ازدواج در غالب خصیصه‌های اخلاقی مطلوب و منش‌ها و رفتارهای متعالی فردی و اجتماعی امری بسیار مهم و شایان توجه فراوان است.



بدون تردید ویژگی‌های برتر اخلاقی و خصیصه‌های حمیده رفتاری نمی‌تواند خارج از حریم ارزش‌های الهی و منطق و معرفت دینی برای مؤمنان مفهومی داشته باشد. از این رو آنچه در این جا بدان اشاره می‌شود، صرفاً تأکید مؤکدی بر صفات اخلاقی و ویژگی‌های رفتاری مورد انتظار از داوطلبان مؤمن و وارسته ازدواج است.

پیامبر خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله - نیز هدف از بعثت خود را کمال بخشیدن به صفات و فضیلت‌های اخلاقی می‌دانند<sup>۶</sup> و تأکید تعالیم اسلامی بر این است که ایمان و اخلاق، تدین و تخلق به صفات اخلاقی برتر مکمل و معناگر یکدیگرند. به سخن دیگر مؤمن هرگز نمی‌تواند بد اخلاق، تندخو، بدزبان، پرخاشگر و فحاش باشد. یعنی دین و اخلاق به مفهوم دقیق آن همواره ملازم هم هستند.<sup>۷</sup>

دیگر؛ استوارترین سکوی حرکت زوج‌های جوان به سوی کمال، همراه با آرامش و امنیت خاطر است.

همه آنچه انتظار می‌رود بعد از ازدواج زمینه‌ساز آرامش و سعادت و خوشبختی داوطلبان ازدواج و زوج‌های جوان باشد و همه جاذبه‌های فزاینده زندگی مشترک را باید در قلمرو کفویت در ایمان و اخلاق داوطلبان ازدواج جست و جو کرد.

داوطلبان ازدواج از همان نخستین لحظه‌ها و روزهای زوجیت و آغاز زندگی مشترک و در حرکت به سوی کمال و فلاح بیش از پیش به جاذبه‌های فکری و اندیشه‌های امیدبخش یکدیگر نیاز خواهند داشت. همه زوج‌های جوان، همه زن‌ها و شوهرها به جاذبه‌های کلامی، ابراز مهر، تأیید و تکریم، تشویق و تشکر و ابلاغ پیام دلنشین، اطمینان بخش و روح‌افزای "دوست

مولای متقیان امیر مؤمنان علی - علیه السلام - می‌فرمایند: "رَأْسُ الْإِيمَانِ، حَسَنُ الْخُلُقِ." نشان سرآمد ایمان، خوش اخلاقی و حسن خلق است.<sup>۸</sup> امام حسن مجتبی - علیه السلام - نیز می‌فرمایند: بهترین بهترین‌ها و نیکوترین نیکویی‌ها، خوش اخلاقی است.<sup>۹</sup>

حسن خلق، خوش اخلاقی و نیک‌منشی به معنای زینت دادن زبان به کلام شکر و سپاسگزاری، تشکر و قدردانی، خوش‌زبانی و حقیقت‌گویی، محبت و تشویق، کم‌گویی و گزیده‌گویی، تصدیق حق و درستی، صداقت و راستی و آراستن رفتار و عمل به خوش‌رویی و وقار، حلم و شکیبایی، عفت و پارسایی، رافت و شفقت، تواضع و فروتنی، شهامت و شجاعت، گذشت و سخاوت، حیا و پرهیزگاری، انصاف و جوانمردی، اعتدال و میانه‌روی، اندیشه و توکل، تلاش و دقت، وفای به عهد و ده‌ها صفت والای

دارم " نیاز دارند و این نیاز فطری همه انسان‌هاست.

همه زوج‌های جوان، زن‌ها و شوهرهای بزرگ‌سال و کهن‌سال به نگاه پرجاذبه و محبت‌آمیز همدیگر محتاجند و دل‌هایشان با موج نگاه پرمهر یکدیگر صیقل و صفا می‌یابد. همه زوج‌های جوان نیازمند مشاهده زیباترین، نیکوترین و گیراترین رفتارهای همدیگر در شرایط و موقعیت‌های مختلف زندگی مشترک هستند.

حسن خلق و ایمان قوی، تعقل و تفکر، حکمت و درایت، طهارت و پاک‌سختی، پربرکت‌ترین بذرها برای رویش جوانه‌های وجود و پدیدآیی جاذبه‌های آرامشگر حیات است.

### زمینه تربیت

اما باید توجه داشت که زمینه و بستر اصلی پدیدآیی رفتارهای متمالی، منش نیکو و صفات برتر اخلاقی، معرفت دینی و تعهدات و مسؤولیت‌پذیری‌های اجتماعی در دختران و پسران داوطلب ازدواج، بیش از همه در محیط خانه و با تأثیرپذیری از نظام تربیت خانوادگی، پیش و آگاهی و رسالت مربیگری والدین فراهم می‌شود. از این رو ضمن تأکید بر استقلال فکری و توان و مهارت فردی، اراده و انگیزه شخصی داوطلبان ازدواج، توجه به وضعیت خانوادگی، ارزش‌های حاکم بر خانواده داوطلبان ازدواج و تعهدات اخلاقی خانواده در تربیت فرزندان سالم، صالح، پویا و مسؤولیت‌پذیر، با پرهیز از قضاوت‌های عجولانه و سلیقه‌ای و کلیشه‌ای، می‌تواند در ارزیابی تناسب و کفویت داوطلبان ازدواج بسیار مهم و ارزشمند باشد.

شایسته و بایسته آن است که به هنگام بررسی

وضعیت خانوادگی داوطلبان ازدواج و احراز تناسب و هم‌خوانی خانواده‌ها، با محور قرار دادن استقلال فکری و کفویت اخلاقی، ایمانی، شناختی و رفتارهای دو جوان داوطلب ازدواج و پرورش اندیشه حمایتی و نظارتی و پرهیز از دخالت‌های ناروا، بیش‌ترین توجه و دقت به مسائل اخلاقی، تربیتی، تعهدات دینی و ارزش‌های فرهنگی مبذول گردد.

عدم توازن اقتصادی خانواده‌های دو جوان داوطلب ازدواج، صرف تفاوت در محل تولد، فی‌المثل تهرانی بودن یا شهرستانی بودن و تفاوت در گرایش‌ها و لهجه‌های خانواده‌ها و پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها لزوماً نمی‌تواند به عنوان معیار عدم کفویت تلقی گردیده، امکان زوجیت دو داوطلب جوان واجد شرایط، تعهد و مسؤولیت‌پذیر را که با اندیشه و شخصیت مستقل خود از بیش‌ترین کفویت برخوردارند و می‌توانند زندگی آرامش‌بخش و موفق داشته باشند، متفی نماید.

بدهی است زمانی که در فرایند انتخاب همسر، معیارهای اصلی کفویت، نظیر آنچه بدان اشاره شد، سلامت نفس، ایمان، اخلاق، تعقل، تعهد و مسؤولیت‌پذیری داوطلبان ازدواج مورد توجه قرار نگیرد و جاذبه‌های ظاهری ملاک اصلی باشد و احساسات بر اندیشه و آینده‌نگری غالب شود، تفاوت‌های خانوادگی و فرهنگی داوطلبان ازدواج می‌تواند زندگی مشترک زوج‌های جوان را تهدید کند.

بنابراین توجه به تبار اقتصادی و اجتماعی و نظام تربیتی و فرهنگی خانواده‌ها به هنگام ارزیابی کفویت‌ها و تناسب زوجیت‌ها باید به دور از تعصبات شخصی، پیش‌داوری‌های ناسنجیده و غیرمنطقی و نگرش‌های کلیشه‌ای اطرافیان و با محور قرار دادن معیارهای اصلی و آرامش‌بخش و



سعادت آفرین کفویت، ویژگی‌ها و استقلال شخصیت، قابلیت‌ها، شایستگی‌ها و تعهدات دو جوان داوطلب ازدواج صورت پذیرد.

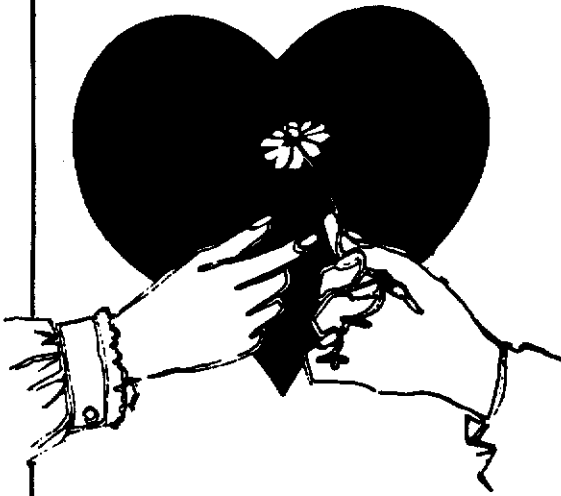
### معیار "عشق" و "دلباختگی" در انتخاب

همسر

گاه غلبه امواج احساسات و هیجان دلباختگی، بستر آرامش، اندیشه و تعقل را در ارزیابی بایسته معیارهای کفویت، متلاطم می‌سازد. در برخی از مواقع اصرار فوق‌العاده و بعضاً تهدیدآمیز پسر یا دختر داوطلب ازدواج و یا هر دو طرف فرصت مطالعه، بررسی و تحقیق و ارزیابی و سنجش معیارهای تناسب و کفویت، همراهی و همسری را از خانواده‌های ذریبط سلب می‌کند.

بی‌شک آن گاه که پایه‌های ازدواج بر داغی عشق و سستی دلباختگی استوار شود، در بسیاری از موارد در همان ماه‌ها و سال‌های اول زندگی با سرد شدن حرارت عشق و هشیاری نسبی دلباخته‌ها، شاهد سردی رابطه‌ها و لرزانی پایه‌های ازدواج خواهیم بود.

چه بسیار دخترها و پسرهایی که در پی کشش فوق‌العاده علاقه و عشق و نادیده انگاشتن بسیاری از معیارها و ارزش‌ها ازدواج کرده، چند صباحی پس از آغاز زندگی مشترک با طغیان نفرت و خشم در پی جدایی و طلاق بر می‌آیند. بدون تردید گل‌واژه‌های دوستی و محبت، علاقه و عشق چاشنی حیات و آرامشگر روان و تأمین‌کننده نیاز فطری بشر، به ویژه در طول زندگی مشترک با همسر است. در واقع از زیباترین جاذبه‌های روانی که مایه اصلی نشاط و سرزندگی، حیات پویا و پربرکت و آرامش‌بخش زندگی زن‌ها و شوهرهاست، علاقه و عشق روزافزون آن‌ها نسبت به یکدیگر است. به بیان



دیگر، بدون احساس و محبت، علاقه و عشق به محبوب‌ها و مطلوب‌ها زندگی معنایی نمی‌تواند داشته باشد. اما محبت و عشق واقعی، خود زاییده شناخت و معرفت است، ناگهانی نیست، حاصل تدریج است و به موازات رشد و تحول آدمی و اعتلای معرفت و بینش نسبت به محبوب‌ها و مطلوب‌ها صد چندان می‌شود.

چندی پیش مادری می‌گفت: "دخترم خواستگاری دارد که جوانی است مؤمن، خوش‌اخلاق و تحصیل کرده و من خانواده‌اش را به خوبی می‌شناسم. این جوان از ظاهری مطلوب نیز برخوردار است و بسیار صبور و با هوش می‌باشد. اما دخترم بدون هیچ دلیل و علت خاصی حاضر به ازدواج با او نیست. او می‌گوید منتظر جوان دیگری است که به زودی از وی خواستگاری خواهد کرد. جوان مورد نظر دخترم فردی است که سابقه اعتیاد به تریاک و حشیش دارد، تحصیلات دبیرستان را نتوانسته به پایان برساند، در محل زندگی به آدم بی‌قید، بی‌کار و

صاحبان اندیشه‌های متعالی و رفتارهای متعادل کسانی هستند که بین شناخت و احساس (عشق) آن‌ها نسبت به یک پدیده توازن و تعادل وجود دارد. بنابراین صرف یک شناخت محدود و تک‌بعدی، یک نگاه خریدار، شنیدن یک کلام پرجاذبه و وسوسه‌انگیز، خواندن یک نامه عاشقانه و... نمی‌تواند عشقی آتشین را به دنبال داشته باشد!

شایسته آن است که با آزادی و استقلال رأی، واقع‌بینی و مال‌اندیشی، صلاحیت‌ها و قابلیت‌های همسری و پدری، مسؤولیت‌پذیری و تعهدات اخلاقی و تقیدات ارزشی خواستگارها را مورد ارزیابی قرار داد و نسبت به ویژگی‌های مثبت هر کدام اندیشه کرد. هر فرد در سایه اندیشه و مشاهده ویژگی‌ها و رفتارهای مطلوب، به یقین صاحب احساسات تازه‌ای خواهد شد، احساساتی که انتظار می‌رود به موازات شناخت بیشتر و مؤانست، افزون و افزون‌تر شود.

آری، وقتی که به مسأله علاقه و عشق این گونه می‌نگریم، به این نتیجه می‌رسیم که عشق میان زن و شوهرهایی که سال‌هاست ازدواج کرده و نسبت به هم معرفت بیش‌تری پیدا کرده‌اند، به نسبت سال‌های ازدواج و زندگی مشترک بیش‌تر از عشق بین دو جوانی است که به تازگی ازدواج کرده‌اند. زیرا همه ما به نیکی می‌دانیم که اگر پایه‌های نخستین زوجیت بر معرفت و معیارهای آرامش‌بخش کفویت استوار گردد، علاقه و عشق حاصل از چنین رابطه و پیوندی روزبه روز افزون‌تر خواهد شد.

لطفاً ورق بزنید

بی‌برنامه شهرت دارد، سابقاً ورزشکار بوده و حالا با اعتیادی که دارد فقط روزی چند ساعت در مغازه برادرش مشغول است. این فرد نه صلاحیت همسری دارد و نه تعهد و مسؤولیت‌پذیری برای زندگی مشترک. خلاصه نمی‌دانم که چرا دخترم به او دل بسته است؟! "

با شنیدن سخنان این مادر دلسوز و فهیم قرار شد دختر خانم ایشان را که دانشجوی سال دوم دانشگاه نیز بود ملاقات کرده، با او صحبت و مشاوره داشته باشیم. در نهایت با شیوه‌ای مؤثر موفق به ملاقات و گفت‌وگو با این دختر خانم شدم. از او درباره شخصیت و ویژگی‌های خواستگار مورد نظر خانواده‌اش پرسیدم. در پاسخ گفت: "هیچ عیبی ندارد. آدم خیلی خوب و درستی است، اما دوستش ندارم. من نظرم این است که آدم باید اول عاشق بشود بعد ازدواج کند. من به آن پسر خرازی فروش که هم محله‌ای ماست دل بسته‌ام و عاشق او شده‌ام. او به من قول داده است که اعتیادش را ترک کند و دیپلم هم بگیرد."

بدین ترتیب دیدگاه‌های این دختر خانم برایم کاملاً روشن شد. او در حصاری از احساسات، هیجان‌ها و کشش‌های نفسانی محصور شده بود و به سختی می‌شد با او در یک روال منطقی گفت‌وگو کرد. سرانجام پس از حدود یک ساعت صحبت، برایش روشن شد که انسان ابتدا نسبت به پدیده‌های مختلف شناخت پیدا می‌کند و به موازات تحصیل این شناخت، نسبت به آن‌ها احساسی در او به وجود می‌آید. از این‌رو هر قدر شناخت نسبت به یک پدیده جامع‌تر و عمیق‌تر باشد، احساس انسان نسبت به آن غنی‌تر و قوی‌تر می‌شود. به بیان دیگر، در جهان واقع احساس و علاقه و عشق در نتیجه شناخت حاصل می‌گردد.

## پی‌نوشت‌ها:

الصلاة تهی عن الفحشاء والمنکر" و این نماز انسان را آمر به معروف و ناهی از منکر می‌نماید.

۵- پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - فرمودند: اگر می‌خواهید با خدا صحبت کنید به نماز بایستید و اگر می‌خواهید خدا با شما سخن بگوید، قرآن بخوانید. عرانی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق (حضرت محمد صلی الله علیه و آله).

۷- از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سؤال می‌شود دخترمان را به عقد چه کسی در آوریم و شما چه فردی را شایسته ازدواج با دختر ما می‌دانید؟ حضرت می‌فرمایند: "من ترضون خلقه و دینه" کسی که خوش اخلاق و دیندار باشد.

۸- غرر الحکم

۹- ان احسن الحسن الخلق الحسن. اخلاق اسلامی، تألیف آیت الله حائری تهرانی و علامه عبدالله بشر، انتشارات بنیاد فرهنگی امام المهدی (عج)، ۱۳۶۹.

۱- ایمان به یک معنا برخوردار از امنیت و آرامش و رهایی از هرگونه اضطراب و تشویش است.

۲- و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة ان فی ذلك لآیات لقوم یتفکرون (سوره روم، آیه ۲۱). از نشانه‌های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش بیابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

۳- هوالذی انزل السکینه فی قلوب المؤمنین لیزدادوا ایماناً مع ایمانهم ولله جنود السموات و الارض و کان الله علیماً حکیماً (سوره فتح، آیه ۴).

او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزاید. لشکریان آسمان‌ها و زمین از آن خداست و خداوند دانا و حکیم است.

۴- نمازی که انسان را از همه زشتی‌ها باز می‌دارد و آدمی را مقید به طریق خیر و صلاح می‌گرداند. "ان

بقیه از صفحه ۱۳

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## معرفی چند منبع مفید:

- به پژوه، احمد: اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان: راهنمای خانواده سالم، چاپ سوم، نشر رویش (انتشارات انجمن اولیا و مربیان) تهران ۱۳۷۷.

- پیاز، ژان: روان‌شناسی و دانش آموزش و پرورش، ترجمه علی محمد کاردان، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۴.

- شریعتمداری، علی: اصول تعلیم و تربیت، چاپ دهم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۶.  
- شکوهی، غلامحسین: تعلیم و تربیت و مراحل آن، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۴.

- شکوهی، غلامحسین: مبانی و اصول آموزش و پرورش، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۹.

کانت، امانوئل: تعلیم و تربیت، ترجمه غلامحسین شکوهی، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۴.

- میالاره، گاستون: معنی و حدود علوم تربیتی، ترجمه علی محمد کاردان، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۵.